

بررسی تجربی پنج کشور موفق در زمینه توسعه آموزش کارآفرینی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی

ابراهیم نبیونی* - محمدرضا آقاجانی** - سهیلا اله وردی زاده***

چکیده:

روند تاریخی توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که پویایی نظام آموزشی و پیوند عمیق بین علم و تکنولوژی با بازار کار یکی از عوامل مهم ترقی، شکوفایی و توسعه اقتصادی و فرهنگی آنها بوده است.

در واقع نیل به توسعه، به عنوان یک هدف مهم و اساسی در گرو استفاده بهینه از همه امکانات کشور به خصوص نیروی انسانی می‌باشد که به عنوان یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سرمایه‌های هر کشور محسوب می‌شود. با توجه به این که کشور ما در زمره جوان‌ترین کشورهای جهان قرار دارد و حجم عظیمی از نیروی آماده به کار و دارای پتانسیل بالقوه به خصوص قشر تحصیل کرده در آن به چشم می‌خورد، اهمیت کارآفرینی و آموزش آن بیش از پیش احساس می‌شود.

توسعه کارآفرینی در اقتصاد دانش مدار امروزی امری حیاتی است و بارها توسط صاحب نظران مختلف این ضرورت تصدیق شده است. به همین سبب در دنیای امروز آموزش کارآفرینی به شکل‌های مختلف و در سطوح تحصیلی به طور گسترده‌ای افزایش یافته است.

لذا با توجه به ضرورت آموزش کارآفرینی در دنیای امروز، در این مقاله سعی شده است به اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی پرداخته شود، در این راستا به بررسی تجارب آموزشی کشورهای مختلف و دوره‌های آموزش کارآفرینی پرداخته می‌شود.

* عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی استان مرکزی

** مدیر اشتغال جهاد دانشگاهی استان مرکزی

*** کارشناس اقتصادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان مرکزی

۱- مقدمه

(۸۰-۱۹۶۰) در کشور هند حدود پانصد مؤسسه کارآفرینی شروع به کار کرده‌اند و حتی پاره‌ای از شرکت‌های بزرگ جهان برای حل مشکلات خود به کارآفرینان روی آورده‌اند. این در حالی است که در ایران حتی یک مؤسسه کارآفرینی در دهه اخیر نداشته ایم. کارآفرینی از منابع مهم و پایان ناپذیر همه جوامع بشری است منبعی که به توان خلاقیت انسان‌ها برمی‌گردد. از یک سو ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان ناپذیر است. امروزه همگان دریافته‌اند که جوامعی که به منابع انسانی متکی بوده‌اند تا به منابع زیرزمینی، در بلندمدت موفق‌تر بوده‌اند. منابع زیرزمینی در کشورهای جهان سوم، علی‌رغم مزیت‌های آن از جمله موانع توسعه یافتگی محسوب شده است. در صورتی که عدم وجود این منابع در بعضی از کشورها باعث شده است تا آنها با استفاده از نیروی فکر، خلاقیت و ابتکار و یا در یک کلمه کارآفرینی، از جمله کشورهای پیشرو در جهان کنونی شوند. خصوصاً در عصر حاضر که عصر دانایی و خلاقیت و عصر تلفیق اندیشه‌ها و ابتکارات می‌باشد، توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت کشورها بسیار اهمیت دارد.

معمولاً واژه کارآفرینی با ایجاد شغل و کسب و کار مترادف شده است در حالی که اشتغال یکی از آثار کارآفرینی است و ممکن است فعالیت‌های کارآفرینانه اشتغال ایجاد نکند اما تولید ثروت کند و پایه دانایی بیفزاید. کشورهای پیشرفته صنعتی، خیلی سریع توانستند نقش کارآفرینان را در توسعه اقتصادی کشف کنند و به دنبال توسعه و ترویج چنین فرهنگی در میان مدیران اقتصادی باشند. (اکبری، کرامت اله، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱)

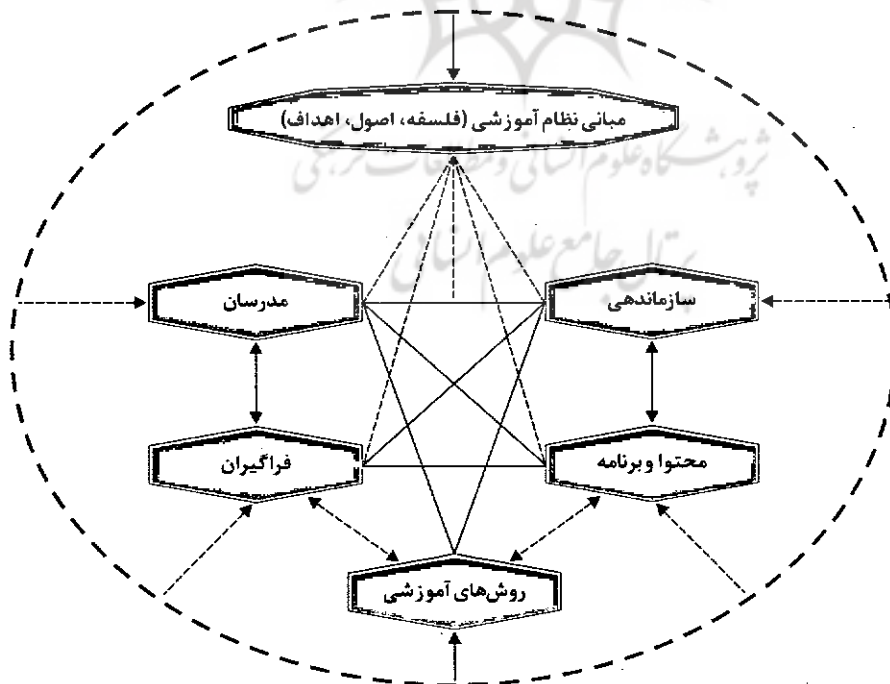
با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی در می‌یابیم که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. اگر چه در سال‌های گذشته، «اختراع» جایگاه ویژه در توسعه کشورها داشته است، اما امروز کارآفرینی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. به طوری که در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر دهه‌های طلایی کارآفرینی نام گرفته است. در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مقوله کارآفرینی به عنوان اصلی‌ترین منبع توسعه مورد نظر قرار گرفته است.

با توجه به افزایش رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، اهمیت نظام آموزشی و پژوهشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود. امروزه دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در طرح دروس دانشگاهی در رشته‌های مختلف باز کرده است، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان مورد توجه قرار گرفته است.

اکنون در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده‌اند و از آنان نیز به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود. چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آید. در اهمیت کارآفرینی همین بس که طی بیست سال

۲- مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی

هر نظام آموزشی دارای شش مؤلفه اصلی می‌باشد که با یکدیگر دارای ارتباط درونی تنگاتنگ و دو جانبه بوده و قویاً تحت تأثیر محیط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیکی، مذهبی و جغرافیایی فعالیت می‌کند. در شکل ۱ این مدل نشان داده شده است.



شکل ۱: مؤلفه‌های نظام آموزشی



تصمیم‌گیری یک فرایند ذهنی است، لذا منحصر به فرد می‌باشد. اما با این حال می‌توان خصوصیات مشترکی برای این فرایند پیدا کرد. مثلاً مانند هر فرایند تصمیم‌گیری دیگر، حرکت از یک موقعیت به سوی موقعیتی دیگر است و یا حرکت از وضعیت جاری زندگی به سوی موقعیتی است که فرد تصور می‌کند مطلوب‌تر است. قطعاً چنین تصمیم‌گیری در جهت ترک وضعیت حاضر و حرکت به سوی یک موقعیت جدید دیگر که ناشناخته است، کارآسانی نیست، تغییر وضعیت حاضر زندگی و ایجاد یک موقعیت جدیدتر (که فرد انتظار دارد مطلوب‌تر از وضع موجود باشد) نیازمند تلاش فراوان است. به طور کلی تصمیم‌گیری در جهت ایجاد و راه‌اندازی یک کسب و کار مستقل، زمانی اتفاق می‌افتد که فرد تصور می‌کند که ایجاد آن، هم امکان‌پذیر است و هم مطلوب.

عواملی که باعث می‌گردد تا فرد احساس کند تصمیم در جهت ایجاد یک کسب و کار مطلوب است، عبارتند از:

۱. فرهنگ فرد و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند.
۲. خرده‌فرهنگی که فرد با آن مستقیماً برخورد دارد
۳. خانواده
۴. نظام آموزشی
۵. الگوهای نقش
۶. همقطاران (Hisrich, 1992)

فرایند کارآفرینی: برای آن که فرد بتواند یک کسب و کار مستقل و کارآفرینانه را راه‌اندازی کرده و به درستی مدیریت کند، باید یک فرایند منطقی را طی نماید. این فرایند دارای چهار مرحله مشخص است که عبارتند از:

۱. شناسایی و ارزیابی فرصت از لحاظ امکان‌پذیری و مطلوبیت
۲. تبدیل فرصت موجود به شکل یک برنامه کسب و کار
۳. شناسایی منابع مالی و غیرمالی مورد نیاز برای راه‌اندازی برنامه کسب و کار مورد نظر
۴. راه‌اندازی کسب و کار در جهت عملی نمودن برنامه کسب و کار در نظر گرفته شده و مدیریت کسب و کار راه‌اندازی شده (Hisrich, 1992)

۱-۲) اهداف برنامه‌های آموزشی کارآفرینی: از آنجا که توافق عمومی در زمینه مفهوم کارآفرینی در نظام آموزش عالی وجود ندارد، در نتیجه اهداف متنوع و گسترده‌ای از سوی محققان و نویسندگان مختلف در زمینه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی بیان گردیده است. در بسیاری از مدل‌های آموزشی ارائه شده در آموزش عالی، توسعه رفتارها و ویژگی‌های کارآفرینانه به عنوان یکی از اهداف آموزش کارآفرینی بیان گردیده است. در پاره‌ای از موارد، لیست بلندبالایی از این رفتارها و ویژگی‌ها ذکر گردیده اما مشخص نگردیده است که چگونه بایستی بدانها دست یافت و بر چه اساسی و چه موقع باید دستیابی به اهداف را ارزیابی نمود. (Gibb, 2002)

در آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا)، آن‌گونه که Ibrahim, Soufari (2000) اظهار می‌دارند، هدف عمده برنامه‌های آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی، توسعه مهارت‌های کارآفرینانه (در معنای وسیع) در فراگیران بوده است تا بتوانند در محیط‌های مختلف (نه صرفاً در زمینه کسب و کار کوچک) آنها را به کار گیرند، اما بعدها این هدف به سوی مفهوم محدود کارآفرینی تغییر جهت داده است. (Gibb, 2002)

در شکل مذکور دایره نقطه‌چین و پیکان‌های نقطه‌چینی که از آن به سوی مؤلفه‌های مدل کشیده شده است، محیط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیکی، مذهبی و جغرافیایی پیرامون نظام آموزشی و تأثیر آنها بر این نظام را نشان می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۸)

مؤلفه‌های برنامه‌های آموزش کارآفرینی را می‌توان به شرح زیر نام برد: مبانی آموزش کارآفرینی (فلسفه، اصول، اهداف) سازماندهی مورد نیاز، محتوای آموزشی، فراگیران، روش‌های آموزشی و مدرسان.

۱-۲) مبانی آموزش کارآفرینی

مبانی برنامه‌های کارآفرینی شامل فلسفه آموزش کارآفرینی، اصول آموزشی آن و اهداف برنامه‌های آموزش کارآفرینی می‌باشد که در زیر تشریح می‌گردند.

۱-۲) فلسفه کارآفرینی: Bygrave (1989) کارآفرینی را به عنوان فرایندی از «شدن» نه حالتی از بودن تعریف می‌کند. مفهوم «شدن» هسته مرکزی پراگماتیسم است منظور از «شدن» در «فلسفه» پراگماتیسم عبارت است از فرایند تکاملی مداوم در زمینه بازننگری و بازسازی تجارب. از سوی دیگر همچنان که Schumpeter (1934), Bygrave (1989) اظهار می‌دارند، کارآفرینی نیز نوعی بازسازی و بازننگری مداوم تجارب کارآفرین در جهت رشد و توسعه مداوم کسب و کار می‌باشد است. لذا از نظر فلسفی، کارآفرینی کاملاً با فلسفه پراگماتیسم همخوانی داشته و باید این مکتب فلسفی را بنیان فلسفی کارآفرینی نامید (Audretsch, 2002)

۱-۲) اصول اساسی آموزش کارآفرینی: در هنگام طراحی برنامه‌های آموزش کارآفرینی باید دو اصل بسیار مهم را در نظر گرفت: ۱. چه عواملی باعث می‌گردد تا یک فرد تصمیم بگیرد کارآفرین شود؟ ۲. مراحل مختلف در فرایند کارآفرینی کدام‌ها هستند؟ (Hisrich, 1992)

۱) تصمیم‌گیری در جهت کارآفرینی: در هنگام طراحی برنامه‌های آموزشی کارآفرینی بایستی به این نکته مهم توجه کرد که افراد طی چه فرایند و چگونه تصمیم می‌گیرند که کارآفرین شوند؟ چرا فرد گزینه شغلی دیگری را انتخاب نمی‌کند؟ از آنجا که فرایند

از آنجا که فرایند تصمیم‌گیری یک فرایند ذهنی است، لذا منحصر به فرد می‌باشد. اما با این حال می‌توان خصوصیات مشترکی برای این فرایند پیدا کرد. مثلاً مانند هر فرایند تصمیم‌گیری دیگر، حرکت از یک موقعیت به سوی موقعیتی دیگر است و یا حرکت از وضعیت جاری زندگی به سوی موقعیتی است که فرد تصور می‌کند مطلوب‌تر است

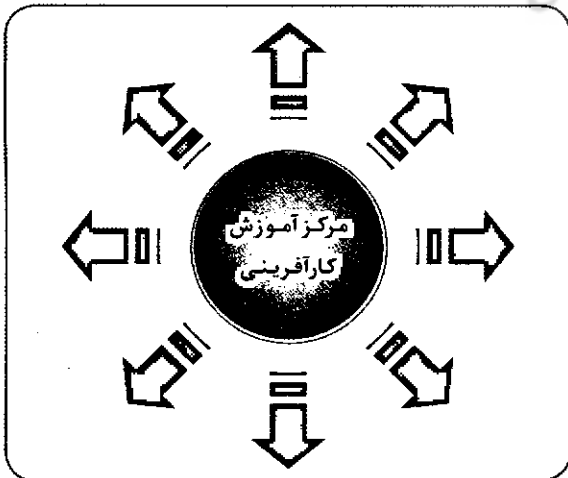
اگر چه از لحاظ تئوری، ممکن است هفت شکل آموزش کارآفرینی متمرکز موجود باشد، اما در عمل فقط اشکال شماره (۱)، (۲) و (۴) در دانشگاه‌ها یافت می‌گردند. معنا و مفهوم این ترکیب عملی این است که تمرکز برنامه‌های آموزش کارآفرینی در تحصیلات تکمیلی مدیریت بازرگانی ضرورت دارد اگر چه امکان دارد که این دوره‌ها در مورد رشته‌های کارشناسی مدیریت بازرگانی و یا فنی و مهندسی نیز متمرکز گردند. در هر صورت مشخصه بارز این مدل این است که آموزش کارآفرینی فقط ویژه رشته‌های مدیریتی فنی و مهندسی است و سایر رشته‌ها تحت آموزش کارآفرینی قرار نمی‌گیرند. (Streeter, 2003) در نقطه مقابل، مدل سازماندهی متمرکز «مدل سازماندهی گسترده» قرار دارد که در تمامی آنها همه دانشجویان رشته‌های مختلف دانشکده‌های گوناگون تحت آموزش‌های کارآفرینی قرار می‌گیرند. مثلاً در بسیاری از دانشگاه‌ها رشته‌های علوم انسانی، هنر علوم پایه و کشاورزی نیز تحت آموزش‌های کارآفرینی قرار می‌گیرند.

از جمله مثال‌های آموزش کارآفرینی گسترده می‌توان به برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌های Stanford, Cornell, Babson در آمریکا اشاره کرد (منبع قبلی)

در روش سازماندهی گسترده، بر اساس محل اجرای آموزش کارآفرینی (جایی که دانشجویان جهت دیدن آموزش‌های لازم باید حضور یابند و محل اجرای آموزش) برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دو مدل جای می‌گیرد:

الف) مدل متمرکز: در مدل متمرکز از شیوه آموزش کارآفرینی گسترده، تمامی دوره‌ها و واحدهای نظری و عملی تدریس کارآفرینی، در یک دانشکده برگزار می‌گردد و دانشجویان سایر دانشکده‌ها و یا گروه‌های آموزشی برای یادگیری دانش و مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان بایستی به دانشکده و گروه آموزشی مشخص شده مراجعه نمایند. نمونه‌ای از این مدل آموزش کارآفرینی در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست قرار دارد که در آن تمامی دوره‌های آموزش کارآفرینی توسط مدرسه مدیریت Sloan طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌گردد و دانشجویان از تمامی گروه‌ها و دانشکده‌های آموزشی در این مرکز مورد آموزش لازم قرار می‌گیرند. نمای شماتیک این مدل به شرح شکل ۲ است:

شکل ۲: مدل آموزش کارآفرینی متمرکز (Streeter, 2003)



Cox (1996) معتقد است که هدف اولیه آموزش کارآفرینی، توسعه «خودباوری» در مخاطبان است تا قادر باشند یک کسب و کار جدید راه‌اندازی نمایند. نامبرده اظهار می‌دارد که با توجه به هدف مذکور بایستی تجارب کافی در زمینه رفتار کارآفرینی را در اختیار مخاطب گذاشته و او را در معرض زندگی واقعی کارآفرینی قرار داد تا یادگیری برای او واقعی‌تر گردد.

بر اساس اظهار نظر (Henry et al 2003) که معتقد هستند اهداف آموزش کارآفرینی بر اساس مراحل مختلف رشد و چرخه کسب و کار متفاوت است، اهداف آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی بایستی متمرکز بر توسعه رفتارها، ویژگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز فراگیران برای راه‌اندازی مدیریت یک کسب و کار جدید باشد، بر همین اساس محققان مذکور معتقدند که برنامه آموزشی بایستی بر روی توسعه یک برنامه کسب و کار قابل اجرا و عملی از طریق فراهم نمودن فرصت‌های مناسب و کافی برای فراگیران به منظور کسب تجربه کافی و لازم، متمرکز گردد.

بحث آموزش کارآفرینی چیزی نیست که صرفاً محدود به آموزش رسمی گردد. فرایند کارآفرینی و رشد و توسعه کسب و کار، زمان بر و طولانی بوده و در مراحل مختلف آن، نیازها و آموزش‌های ویژه‌ای لازم است. لذا آموزش بایستی از درون خانواده و اوایل زندگی شروع شده، وارد مراحل مختلف و سطوح مختلف نظام آموزشی گردیده و سپس در خارج از نظام آموزشی و در درون محیط کارآفرینانه به طور مداوم ادامه یابد (Carlan و دیگران، 1988، 1990، Kent, Gibb, 2002)

۲-۲) سازماندهی آموزش کارآفرینی

به طور کلی می‌توان برنامه‌های آموزش کارآفرینی دانشگاه‌های مختلف دنیا را از لحاظ سازماندهی در دو گروه و یا مدل اصلی طبقه‌بندی نمود. اگر کانون برگزاری آموزش کارآفرینی و تمامی عناصر و اجزای آموزشی آن در دانشکده مدیریت و شاخه‌های مرتبط با آن و یا در دانشکده‌های فنی و یا ترکیبی از هر دو دانشکده مستقر شده باشند، آن گاه این شیوه سازماندهی آموزش کارآفرینی را «مدل سازماندهی متمرکز» می‌نامند. برنامه‌های آموزش کارآفرینی دانشگاه‌های Columbia, Ball state (2003, Streeter), Harvard, Maryland

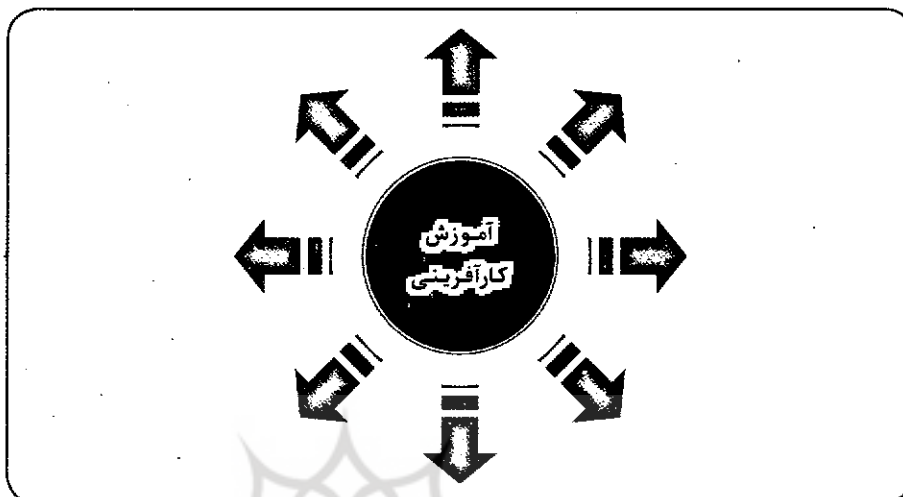
برنامه‌های آموزش متمرکز را می‌توان بسته به محل تمرکز آن در هفت ترکیب مختلف جای داد که به شرح زیر هستند:

- ۱) فقط برای کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی
- ۲) کارشناسی و کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی
- ۳) کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی و رشته‌های فنی مهندسی
- ۴) کارشناسی و کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی و رشته‌های فنی مهندسی
- ۵) فقط برای کارشناسی مدیریت بازرگانی
- ۶) ترکیبی از کارشناسی مدیریت بازرگانی و رشته‌های فنی مهندسی
- ۷) فقط رشته‌های مهندسی فنی.

- 1- Focused Model
- 2- University - Wide
- 3- Magnet Model

ب) مدل آموزش کارآفرینی غیر متمرکز: در این مدل آموزشی، آموزش کارآفرینی توسط تمامی دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی دانشگاه برگزار می‌گردد. هر یک از گروه‌های آموزشی بر اساس گزینه‌های شغلی کارآفرینانه احتمالی، اقدام به طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مرتبط در زمینه کارآفرینی می‌نمایند. نمونه‌ای از این مدل آموزشی در دانشگاه Cornell آمریکا مشاهده می‌گردد که در آن ۹ دانشکده و مدرسه موجود در دانشگاه مشغول ارائه آموزش‌های کارآفرینانه مرتبط با تخصص خود برای دانشجویان هستند. نمای شماتیک مدل آموزش کارآفرینی غیر متمرکز به شرح شکل ۳ است.

شکل ۳: مدل آموزش کارآفرینی غیر متمرکز (streeeter , 2003)



۳-۲) محتوای آموزش کارآفرینی

انتخاب محتوای مناسب جهت آموزش کارآفرینی به چندین عامل بستگی دارد:

۱) چارچوب مفهومی آموزش کارآفرینی موسسه یا دانشگاه: اگر رهیافت وسیع را برگزیده باشد، در آن صورت محتوای آموزش کارآفرینی معطوف ویژگی‌ها و رفتارهای کارآفرینانه‌ای خواهد گردید که فراتر از کسب و کار است. همانگونه که قبلاً نیز بیان گردید، به جهت عدم توافق در میان محققان و صاحب نظران، در ارتباط با مفهوم کارآفرینی، محتوای آموزشی متنوعی توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مختلف انتخاب گردیده است.

۲) طبقه‌بندی آموزش کارآفرینی در دانشگاه مربوطه: محتوای آموزش کارآفرینی در مورد برنامه‌های آموزشی «برای» کارآفرینی یا آنچه که در برنامه‌های آموزشی «درباره» کارآفرینی گزینش می‌گردد قطعاً متفاوت است (Gebret et al, 2003)

۳) زمینه محیطی مورد نظر: کارآفرینی پدیده‌ای است وابسته به محیط و زمینه (wortman , 1996) لذا بایستی در هنگام طراحی برنامه‌های آموزش کارآفرینی برای یک رشته خاص، محیط کسب و کار در آن زمینه خاص را مطالعه نمود. در این ارتباط Gibb (2002) اظهار داشته است که کاملاً مشخص نیست که چه بایستی آموزش داده شود اما واضح است که بستگی به محیط پیرامون دارد.

Bechard (1994) یک رهیافت طبقه‌بندی در زمینه مهارت‌های کارآفرینی که بایستی محتوای برنامه آموزش کارآفرینی را تشکیل دهد، به شرح جدول ۴ پیشنهاد می‌دهد:

جدول ۴: محتوای برنامه - آموزشی کارآفرینی از دیدگاه Be Chard (1994)

سطح یادگیری	مهارت‌های مورد نیازی که فرد باید کسب کند
دانش - جزایی: نگرش‌ها، ارزش‌ها، انگیزه‌ها	اطمینان و اعتماد به نفس، انگیزه بیشتر، پشتکار و سخت کوشی، ریسک پذیری حساب شده
دانش - چگونگی: مهارت‌ها	مهارت‌های فنی تکنیکی کسب و کار
دانش - چه کسی: مهارت‌های اجتماعی	توانایی ارتباطات میان فردی و توسعه روابط شبکه‌ای
دانش - چه دانش و درک تئوریک	ایجاد مختلف فرایند کارآفرینی

۲-۴) روش‌های یاددهی و یادگیری در آموزش کارآفرینی

همانند سایر مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی، روش‌های یاددهی و یادگیری در برنامه‌های آموزش کارآفرینی بستگی به دیدگاه مؤسسه آموزشی در زمینه آموزش کارآفرینی و اهداف طراحی شده برای آن دارد. در مواردی که هدف از آموزش کسب دانش و درک مفاهیم مرتبط با کارآفرینی باشد، آن‌گاه روش‌های آموزشی عمدتاً شامل سخنرانی و بحث‌های کلاسی خواهد بود و شاید در بهترین موارد تماس‌هایی هم به طور مستقیم با کارآفرینان برقرار گردد (Block & stumpf, 1992) Gibb (1987) معتقد است که فلسفه و طبیعت کارآفرینی ایجاب می‌کند که بخش عمده آموزش از طریق روش‌های آموزشی خاص که وی آن را «کارآفرینانه» نامگذاری می‌کند، صورت پذیرد. محقق مذکور در ارتباط با صحت ادعای خود به سبک‌های یادگیری کارآفرینان اشاره می‌کند و اعتقاد بر این دارد که افراد مذکور بیشتر در مسیر روش‌های یادگیری تجربی و یادگیری در عمل و یادگیری پروژه‌ای قرار می‌گیرند و لذا معتقد است که مدرسان آموزش کارآفرینی بیشتر از روش‌های تدریس کارآفرینانه استفاده می‌کنند.

Yang (1997) بیان می‌دارد که تجارب، مهارت‌ها و توانمندی‌های یک کارآفرین قطعاً از نوعی نیستند که فقط بتوان از طریق روش‌های آموزشی متداول به آنها دست یافت. در سال ۱۹۹۱ دو محقق به نام‌های مک مولان و بوبرگ با هدف شناسایی و ارزیابی روش‌های تدریس بدیل در آموزش کارآفرینی، مطالعه‌ای را در میان دانشجویان مدیریت بازرگانی و فارغ التحصیلان همان رشته در دانشگاه کانادا به انجام رساندند. نتایج تحقیق مذکور نشان داد که دانشجویان و فارغ التحصیلان اعتقاد داشتند که روش آموزش «مطالعه موردی» از بعد کسب مهارت‌های تحلیلی و سنتز نمودن اطلاعات ارزشمند بود، اما روش آموزش «پروژه‌ای» بهتر قادر است دانش و درک فرد از مراحل مختلف فرایند کارآفرینی را در اختیار او قرار داده و مهارت‌های عملی فرد را توسعه دهند. لذا محققان پیشنهاد می‌کنند که روش پروژه‌ای مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

Gibb (1998) روش آموزش کارآفرینانه را در مقابل روش آموزش متداول (آموزش کلاسیک) قرار داده و می‌گوید که کارآفرینان همواره با مسائل و مشکلات متعددی مواجه بوده و از طریق تجارب فردی و عملی این مشکلات را حل می‌کنند و لذا روش‌های یادگیری کلاسی برای آنها چندان کارایی ندارد. زیرا در یک محیط آموزشی کلاسی شرایط به گونه‌ای است که همواره اقتدار و تخصص مدرس، بر کلاس و یادگیری فراگیران برتری دارد، در حالی که در دنیای واقعی کارآفرینی، فرد کارآفرین بیشتر بر خودش و ارزش‌های خودش متکی است. Gibb (1998) تفاوت‌های بین رهیافت متعارف تدریس و رهیافت تدریس کارآفرینانه را به شرح جدول ۵ ذکر می‌کند:

جدول ۵: رهیافت تدریس متعارف در مقایسه با رهیافت تدریس کارآفرینانه

رهیافت متعارف	رهیافت کارآفرینانه
عمده تمرکز مدرس بر روی محتوا می‌باشد.	عمده تمرکز مدرس بر روی فرایند محتوا می‌باشد.
معلم محور	فراگیر محور (فراگیر خود مسئول یادگیری خود می‌باشد)
معلم دانش را انتقال می‌دهد.	معلم خود یادگیرنده بوده و نقش تحصیل گر را بازی می‌کند.
عمده تأکید تدریس بر روی دانش - چه می‌باشد.	عمده تأکید تدریس بر روی دانش چگونه و دانش - چه کسی می‌باشد.
فراگیر نقشی انفعالی دارد.	فراگیر خود تولید کننده دانش به شمار می‌رود و فعال است.
برنامه درسی کاملاً منظم و از پیش طراحی شده است.	برنامه درسی کاملاً انعطاف پذیر است و طوری طراحی شده که نیازهای فراگیران را برآورده سازد.
اهداف یادگیری حالت تحمیلی و از پیش تعیین شده دارد.	اهداف یادگیری به صورت مشارکتی و مذاکره تعیین می‌گردند.
اگر فراگیر مرتکب اشتباه گردد تنبیه یا تحقیر می‌شود.	سعی می‌گردد از اشتباهات درس گرفته شود.
تأکید آموزش و تدریس بر روی نظریه‌ها می‌باشد.	تأکید آموزش بر روی عمل می‌باشد.
تمرکز بر روی یک موضوع، تخصصی و کاربردی است.	تمرکز بر روی مسائل بوده و بین رشته‌ای است.

منبع: ظرفیت‌های اصلی کارآفرینانه، رقابت، توسعه مدیریت در قرن ۲۱ (Gibb, 1998)

۵-۲) مدرس آموزش کارآفرینی

از جمله سؤالاتی که در هنگام تصمیم‌گیری در زمینه تلفیق آموزش کارآفرینی در درون برنامه آموزشی مطرح می‌گردد، این است که چه کسی باید دروس کارآفرینی را تدریس کند؟ آیا مدرسانی که فاقد تجربه کارآفرینانه و یا فاقد تجربه کار با کارآفرینان هستند قادرند مدرسانی اثربخش باشند؟ شایستگی‌های مورد نیاز جهت مدرس کارآفرینی کدامند؟

Hills (2002) از طریق نظرخواهی از آموزشگران دانشگاه‌های مختلف دریافت که اکثر آنها عقیده دارند که بایستی کسانی در دوره‌ها و دروس کارآفرینی تدریس کنند که خود تجربه کار کارآفرینانه و یا حداقل سابقه کارکردن با کارآفرینان را داشته باشند. محققان متعددی اظهار داشته‌اند که یکی از چالش‌های آموزش کارآفرینی در سطح آموزش عالی، کمبود مدرس توانمند است.

در مطالعه‌ای که توسط Honig-Haftel و دیگران (1996) در آمریکا صورت گرفت، از روسای ۷۰۰ دانشگاه سؤال گردید که وضعیت آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های آنها چگونه است؟ اکثراً پاسخ داده بودند که در دانشگاه‌های آنها حداقل یک درس کارآفرینی ارائه می‌گردد، اما آموزش کارآفرینی را در کل نظام دانشگاه نهادینه می‌کنند.

۳) تجارب آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف

امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاهی تبدیل شده است، طی دهه ۸۰ دانشگاه‌ها بر حسب گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی برنامه‌های آموزش متعددی را برای سازمان‌های خصوصی و عمومی طراحی کرده‌اند. دولت‌های اروپایی نیز حمایت‌های ویژه‌ای را از فعالیت‌هایی که موجب تشویق کارآفرینی میان جوانان می‌شود، ایجاد کرده‌اند.

در ایالات متحده آمریکا، آموزش کارآفرینی در بطن دوره‌های دانشگاهی و به وسیله مؤسسات تخصصی مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. کانادا و برخی از کشورهای آسیایی همچون فیلیپین، هند و مالزی نیز گام‌های اساسی برای حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه برداشته‌اند. این حمایت‌ها شامل ارایه راهنمایی‌های علمی، ارایه تسهیلات مالی و برگزاری دوره‌های ویژه در خصوص کارآفرینی در درون دانشگاه‌ها و یا خارج از دانشگاه‌هاست. (گیب ۱۹۹۰ ص ۴۲)

در کشور آمریکا بیش از ۱۰۰ مرکز مطالعات کارآفرینی در دانشگاه‌ها تشکیل شده است. تمام سیاست‌گذاری‌ها در خصوص موضوعات تخصصی از طرف دانشکده بازرگانی «فرانک بارتون» دانشگاه ایالتی «ویجیتا» صورت می‌گیرد. این مرکز به عنوان دبیرخانه مرکز تحقیقاتی کارآفرینی در آمریکا انتخاب شده و تمامی گزارشات تحقیقی در آنجا جمع‌آوری می‌شود. ضمن آن که هر ساله سمینار سالیانه پیشروان تحقیق در کارآفرینی در مرکز کارآفرینی دانشکده بابسون برگزار می‌گردد که تمامی مقالات و خلاصه تحقیقات در آن جا ارایه و به صورت مجموعه مدونی هر ساله از شروع دهه ۸۰ چاپ شده است. در دهه ۱۹۹۰ آموزش کارآفرینی شتاب بیشتری گرفت به طوری که در این دهه ۵۰۰ دانشکده کارآفرینی در آمریکا دیده شده است.

اولین کشورهایی که در مسیر کارآفرینی به ترتیب قدم جلو گذاشتند، آلمان، انگلیس و آمریکا بودند. در آلمان در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۵ مطالعه و شناسایی بر روی افراد جسور و نوآور و افراد بانگیزه‌ای که اتفاقاً دارای محدودیت‌های شدید مالی بودند، آغاز شد. اولین سیاست‌ها، سیاست‌های حمایتی از این افراد بود

در کشور انگلیس نیز مراکز کارآفرینی متعددی از ابتدای دهه ۷۰ شکل گرفتند که اصلی‌ترین مرکز تحقیقاتی در دانشگاه «دورهام» تشکیل شده و دروس دوره‌های کارآفرینی را در سه رشته کارشناسی ارشد اجرا می‌کند. امروزه در بیشتر کشورهای اروپایی مراکز مطالعات و تحقیقات کارآفرینی تشکیل شده است. در آسیا نیز کشورهای هند و فیلیپین نسبت به تشکیل مراکز تحقیقات و آموزش کارآفرینی اقدام کرده و کشور مالزی نیز دوره گسترده کارآفرینی را در سطح ملی اجرا نموده است. مرکز آموزش کارآفرینی فیلیپین در سال ۱۹۷۴ تشکیل شد. هدف از تشکیل این مرکز، پرورش و انگیزش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان و آگاهی آن‌ها از احتمالات خود اشتغالی از طریق راه‌اندازی فعالیت‌های کوچک بوده است. هم‌اکنون در رشته مدیریت بازرگانی ۲۴ واحد درس کارآفرینی تدریس می‌شود، همچنین سه دوره سه واحدی نیز در سطح کارشناسی ارشد در شش دانشکده مدیریت تدریس می‌شود. مؤسسه توسعه کارآفرینی هند نیز در سال ۱۹۸۳ با این عقیده که افراد لازم نیست ضرورتاً کارآفرین به دنیا بیایند و می‌توان آن‌ها را از طریق فعالیت‌های هدایت شده کارآفرین کرد، تأسیس شد. این مؤسسه طی سال‌های فعالیت خود، توانسته است مراکز فرعی متعددی را در استان‌های دیگر هند ایجاد کند و طیف وسیعی از دوره‌ها را در سطوح مختلف ارایه نماید. تاکنون بیش از ۵۵ برنامه در زمینه توسعه کارآفرینی به وسیله این مرکز اجرا شده که ۳۳ برنامه از میان آنها به کارآفرینان زن اختصاص داشته است. این برنامه‌ها به طور تخصصی برای کارکنان شرکت‌های صنعتی، فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و غیر فنی، صاحبان کسب و کار کوچک، افراد بیکار، صنعتگران و کشاورزان نیز اجرا شده است.

اولین کشورهایی که در مسیر کارآفرینی به ترتیب قدم جلو گذاشتند، آلمان، انگلیس و آمریکا بودند. در آلمان در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۵ مطالعه و شناسایی بر روی افراد جسور و نوآور و افراد بانگیزه‌ای که اتفاقاً دارای محدودیت‌های شدید مالی بودند، آغاز شد. اولین سیاست‌ها، سیاست‌های حمایتی از این افراد بود. به همین منظور اولین آموزشکده برای تربیت این افراد در آن سال‌ها ایجاد شد. این نوع آموزشکده‌ها بین سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۰ در انگلیس و سپس کمی دیرتر یعنی سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ در آمریکا دایر شد.

بکنند و با کسب و کار چگونه کشورشان را از وابستگی نجات دهند. تا دهه ۱۹۸۰ سه موج، کارآفرینی را به جلورانده است که عبارتند از: موج اول: انفجار عمومی مطالعه و تحقیق، انتشار کتاب‌های زندگی کارآفرینان و تاریخچه شرکت‌های آنها، چگونگی ایجاد کسب و کار شخصی و شیوه سریع پولدار شدن. موج دوم: ارائه رشته‌های آموزش کارآفرینی در حوزه‌های مهندسی و بازرگانی. (که از دهه ۶۰ آغاز و تاکنون در ۵۰۰ دانشکده در آمریکا و کانادا رشته‌های کارآفرینی ایجاد شده است) موج سوم: تشویق رشد شرکت‌های کوچک، افزایش علاقه مندی دولت به تحقیقات در زمینه بنگاه‌های کوچک و تحقیق در زمینه نوآوری‌های صنعتی. اکنون نیز ایجاد مراکز رشد و پارک‌های علمی و فناوری به عنوان یک موج جدید، کارآفرینی را به پیش می‌برند که این موج را می‌توان موج چهارم کارآفرینی نامید. حال با توجه به آشنایی کلی با آموزش کارآفرینی در کشورهای مختلف، به طور مفصل به معرفی آموزش‌های کارآفرینی در ۵ کشور منتخب می‌پردازیم.

افراد در این آموزش‌شده‌ها طی دوره‌های کوتاه مدتی، آموزش‌های لازم را برای شروع کارهای اقتصادی طی کردند و یکی از مباحث این بود که چگونه اقتصاد از طریق توسعه کارآفرینی رشد یابد. آموزش‌ها عمدتاً به صورت کلاسیک ارائه نمی‌شد بلکه حالت آموزش و سمینارگونه داشت و افراد در این آموزش‌شده‌ها مسائلی مربوط به خود را بیان کرده و تعدادی روان‌شناس، رفتارشناس، جامعه‌شناس و استاد مدیریت در این آموزش‌شده‌ها حضور داشتند که افکار و رفتارها و ایده‌های افراد را در جهت صحیح سازماندهی می‌کردند. اواخر دهه ۵۰ میلادی، اولین کشوری که در این زمینه خیلی کلاسیک کار کرد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را از سطح دبیرستان شروع کرد کشور ژاپن بود. اولین مؤسسه در توکیو در سال ۱۹۵۶ آغاز به کار کرد و در سال ۱۹۸۵ سازمان آموزش و پرورش ژاپن طرحی را برای اشاعه فرهنگ کارآفرینی تحت عنوان سربازان فداکار اقتصادی ژاپن پیاده و اجرا نمود. بر اساس این طرح افراد از سطح دبیرستان با مسئله کارآفرینی آشنا شده و آموزش می‌دیدند که در حین تحصیل چگونه باید کار

۳-۱) آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های آلمان

گزارش فعالیت‌های توسعه کارآفرینی در آلمان از طریق FGF برای ایجاد کرسی‌های استادی کارآفرینی و مدیریت نوآوری مورد بررسی قرار گرفته است و سؤالات متفاوتی از دانشگاه‌های سراسری آلمان در این زمینه پرسیده شد که پاسخ به آنها در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶ فعالیت‌های توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های آلمان

سال	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
تعداد				
تعداد کرسی‌های استادی در آلمان	۲۱	۲۴	۲۸	۴۲
کرسی‌های استادی فعال	۱	۸	۱۷	۲۴
کرسی‌های استادی اعلام شده	۱۲	۱۱	۹	۱۴
کرسی‌های استادی برنامه ریزی شده	۷	۴	۲	۲
کرسی‌های استادی متوقف شده	۱	۱	—	—

خیلی از مدارس عالی فنی در دانشگاه‌ها، برگزاری سمینارها و گردهمایی‌های کارآفرینی، مشاوره، کارآشنایی و آموزش کارآفرینی را پیشنهاد می‌کنند. بحث مهمی که در آموزش‌های کارآفرینی قابل توجه می‌باشد این است که اغلب پروفیسورها بر این اصل پافشاری می‌کنند که تنها بحث کارآفرینی را به صورت آموزشی مطرح ننمایند، بلکه همگام با آموزش بتوانند کارگاه‌های کارآفرینی را به صورت عملی و به شکل‌های متفاوت نشان دهند و نتایج موفقیت دیگران در تأسیس شرکت‌ها و تأثیر بر آنها در نوآوری‌های متفاوت مورد بررسی قرار گیرد. بحث دیگر آن است که تمرکز اساساً روی کارهای تحقیقاتی باشد و با وجود فعال بودن دانشگاه‌های آلمان در بحث کارآفرینی، انجام دادن تحقیق بیشتر یک بحث ضروری می‌باشد. در مجموع می‌توانیم در آلمان ۴۲ دانشگاه و مدرسه عالی فنی و انستیتوهای داخلی مدارس عالی فنی را مطرح کنیم که در آنها بحث کارآفرینی و مدیریت نوآوری مطرح می‌شود.

در اغلب کرسی‌های استادی، به طور کامل بحث تخصص کار برای آینده مطرح است و همزمان با این که مراحل دیگری برنامه‌ریزی می‌شود، مواد درسی کرسی‌های استادی به شکل ذیل قابل ارائه می‌باشد.

- ◆ کارآفرینی، تأسیس عمومی، مدیریت تأسیس، تأسیس شرکت، واقعیت‌های تأسیس
- ◆ تأسیس شرکت‌های فامیلی، تجارت فامیلی، کسب و کار فامیلی
- ◆ دوران عمر شرکت، توسعه شرکت، توسعه علم اقتصادی، کار اشتراکی شرکت
- ◆ فرم سرمایه‌گذاری در نوآوری، مدیریت نوآوری، کسب اطلاعات تکنولوژی تأسیس، تأسیس شخصی
- ◆ سرمایه‌گذاری تأسیس، اساس بازار
- ◆ Entrepreneurship کارآفرینی
- ◆ سرمایه‌گذاری مخاطره آمیز (Venture capital)
- ◆ کشمکش تأسیس، درمان کشمکش
- ◆ رفتار سازمانی، نحوه ریسک‌پذیری در زمان تأسیس یک شرکت، آنالیز در فرایند تصمیمات گروهی، اظهارات دانشجویی برای فرایند تأسیس.
- ◆ تعلیم و تربیت تأسیس

• در دانشگاه Dortmund و دانشگاه Köln طوری برنامه‌ریزی شد که برای استادی کرسی‌های فعالیت‌های کارآفرینی و نوآوری، نیرو استخدام نمایند.

۲) مؤسسه هلندی کارآفرینی تعاونی (NICE)

NICE یک مؤسسه آموزشی تحقیقاتی (در دانشگاه نیزود) برای تعاون در کسب و کارهای کشاورزی و غذایی می‌باشد. اما در حال حاضر به کسب و کارهای غیرصنایع غذایی نیز علاقه مند شده است. بازار خانگی آن در هلند است ولی تمرکز بر اروپا می‌باشد. این مرکز دامنه وسیعی از محصولات تحقیقاتی کاربردی و اساسی، خدمات مشاوره‌ای آموزش و برنامه‌های آموزشی را ارائه می‌دهد و یک مدرسه تابستانی بین المللی، سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و... را راه‌اندازی می‌کند.

موضوعات مورد علاقه این مرکز، مهندسی مجرد سازمان، روابط انسانی، ساختارهای دولتی، محدودیت‌های منابع مالی، بازاریابی و نوآوری محصولات، اقتصاد روستایی، تحقیقات بازار و مساعدت‌هایی به اقتصادهای در حال گذر را شامل می‌شود.

۳-۲) آموزش کارآفرینی در هند

هندوستان یکی از کشورهایی است که به آموزش کارآفرینی توجه بسیار زیادی نموده است. این آموزش کلیه سطوح مدیران و سطوح مختلف شهری و روستایی را در بر می‌گیرد. به طور کلی، در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون هند که دیگر کشاورزی نمی‌تواند اشتغال را برای جمعیت زیادی فراهم نماید و از سوی دیگر فراگیری کارهای سودآور هم فقط برای عده‌ای محدود امکانپذیر است، به نظر می‌رسد آموزش کارآفرینی راه حل ایده آلی برای مشکلات اشتغال و بهره‌وری در جامعه باشد. تعداد وسیعی از مردم که در نقاط جغرافیایی متعددی پراکنده هستند در این رابطه باید آموزش ببینند و هزینه آموزش آنها نیز برحسب تعداد یا کلاس و روش آموزش محاسبه گردد. بنابراین، این مسائل علامت سؤالی است برای این که واقعاً این وظیفه انجام پذیر خواهد بود یا نه؟ آموزش کارآفرینی در هند توسط نهادهایی که برای انجام این کار خاص شکل گرفته‌اند و بعضاً تحت نظارت دولت نیز می‌باشند انجام می‌شود مؤسساتی مانند NIESBUC, EDI در سطح ایالتی و SISI در سطوح مرکزی، دانشکده‌های بازرگانی و اقتصاد دانشگاه‌هایی که درس یا دوره‌های مربوط به کارآفرینی را ارائه می‌دهند و برنامه‌های مدیریتی گوناگون در این زمینه، تلاش‌هایی را در جهت اداره برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت با توجه به گروه‌های هدف مورد آموزش قرار می‌دهد و در حال حاضر تحقیقات و آموزش در سطح خوبی در این زمینه انجام می‌شود. آموزش کارآموزان که می‌توانند در نقاط متعدد کشور کار کنند، اثربخشی این آموزش‌ها را دوچندان کرده است.

علی‌رغم همه موارد فوق، محدودیت‌های مربوط به ظرفیت این مؤسسات، هزینه‌های مربوط به تحقیق و آموزش، تعداد و قابلیت دسترسی به اساتید مجرب، مکان مناسب، زمان و پول کافی محدودیت‌هایی برای تعداد افرادی که می‌توانند آموزش ببینند به شمار می‌رود. بنابراین، مسأله اصلی در آموزش کارآفرینی آن است که گروه‌های هدف، پراکندگی جغرافیایی، تنوع زیاد در نوع آموزش و تعداد کارآموزان رعایت شود.

در کشورهای در حال توسعه‌ای که کشاورزی دیگر نمی‌تواند اشتغال را برای جمعیت زیادی فراهم نماید، به نظر می‌رسد آموزش کارآفرینی راه حل ایده آلی برای مشکلات اشتغال و بهره‌وری در جامعه باشد

۲-۲) آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های هلند

دولت هلند توجه خاصی به موضوع کارآفرینی در دانشگاه‌های این کشور دارد، در بسیاری از دانشگاه‌های علوم بازرگانی و مدیریت این کشور محث کارآفرینی در حوزه‌های آموزشی، تحقیقات، مشاوره و... به دانشجویان تعلیم داده می‌شود. از مهم‌ترین این دانشگاه‌ها می‌توان از دانشگاه‌های ذیل نام برد:

الف) دانشگاه بین المللی کارآفرینی^۱

این دانشگاه به وسیله Zernike Group در دانشگاه Gron در ماه مارس سال ۲۰۰۱ تأسیس گردید. هدف این دانشگاه گردآوری کارآفرینان در یک محیط فرهنگی و علمی می‌باشد، تا بتوانند ارزش خلق کردن و مقرون به صرفه بودن پروژه‌های تحقیقاتی را رواج داده و از طریق دانشگاه به رشد علمی کارآفرینان اقدام نمایند.

برنامه این دانشگاه «کسب و کار در واقعیت» و «متحدکردن دانشجویان و تربیت کردن آنها با بیان پایه‌های تئوری در ایده‌های تجاری و کسب و کار می‌باشد. این ایده‌ها ابتدا از طرف Zernik Group عنوان شد. در چارچوب پروژه‌های کاری باید دانشجویان از تجربه‌های بین‌المللی استفاده نمایند. برای توسعه ایده‌ها در پروژه‌های اساسی Zernik Group از آنها حمایت مالی می‌نماید.

ب) دانشگاه نیزود هلند^۲

۱) مرکز کارآفرینی نیزود (NCE)

دانشگاه نیزود یا مدرسه کسب و کار هلند، اعتبار فراوانی در فرستادن فارغ‌التحصیلان با روحیه بالای کارآفرینی به درون جامعه دارد. این روحیه را در دانشکده نیزود نیز می‌توان یافت. در سال‌های اخیر، تمرکز بر روی موضوعات کارآفرینی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. به منظور گردآوری متخصصین مهارت‌ها و استعداد‌های موجود در این زمینه و نیز برای افزایش دامنه فعالیت‌ها و تمرکز به روی موضوعات مورد علاقه، مرکز کارآفرینی نیزود تأسیس شده است. از طریق این مرکز، دانشگاه نیزود قادر خواهد بود تا به طور کامل موضوعات کارآفرینی را به درون فعالیت‌های تحقیقاتی و آموزشی مدیریتی خود وارد کند. این مرکز وابسته به مؤسسه هلندی کارآفرینی تعاونی (NICE) نیز می‌باشد.

به عنوان قدیمی‌ترین مدرسه کسب و کار در هلند به دلیل روابط تجاری نزدیک آن با جامعه کسب و کار ملی، نیزود، دارای یک نقش هدایت‌کننده در زمینه کارآفرینی در هلند محسوب می‌شود. این دانشگاه در حال حاضر به مشارکت در ایجاد مرکز مستندسازی و اطلاع‌رسانی کسب و کارهای خانوادگی دعوت شده است.

1- International university of Entrepreneurship
2- university Nyenrode
3 - Nyenrode Center for Entrepreneurship
4 - The Netherlands Institute for cooperative

۴-۳ آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های مالزی

واحدهای توسعه کارآفرینی و مراکز تحقیقاتی در دانشگاه‌های مالزی یک بحث جدید و نوپا می‌باشد، در بسیاری از این دانشگاه‌ها دوره‌های تحصیلی در مورد کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک در دانشکده‌ها یا دپارتمان‌ها ارائه می‌شود. اما در اکثر موارد محیط کارآفرینی و توسعه کسب و کار توسط مدیریت دانشگاه حمایت نمی‌شود، به جز دانشگاه اوتارای مالزی که از معدود دانشگاه‌هایی است که برنامه‌های جامع را در زمینه آموزش‌های کارآفرینی برای دانشجویان دارد. استراتژی (UUM) برای برنامه کارآفرینی این است که دانشجویان ممکن است چشم انداز کارآفرین را در عملیات کسب و کار تجربه نمایند. هدف نهایی این است که دانشجویان (به ویژه آنهایی که در حال فارغ التحصیلی هستند) کسب و کارشان را ادامه دهند. برنامه کارآفرینی برای تمام دانشجویان این دانشگاه انجام می‌شود و یک پیش نیاز برای دانشجویان آن است که آنها باید اولین نیمسال تحصیلی شان را به اتمام رسانده و حداقل نمره ۲/۵ نیز به دست آورند. در حال حاضر به ۱۲۰ نفر از دانشجویان که به ۴۰ شغل ساده در داخل دانشگاه (مانند خدمات کامپیوتری، نرم افزارها، فتوکپی و چاپ، عکاسی، خرده فروشی و ...) مشغول می‌باشند، مهارت‌های کارآفرینی آموزش داده شده است. قابل ذکر است این دانشجویان بر اساس هدفشان از شروع کسب و کار انتخاب شده و تعدادی طرح کسب و کار تهیه نموده و برای تأمین سرمایه مورد نیاز، دانشگاه به آن‌ها وام‌هایی از ۲۶۰ تا ۱۳۰۰۰ دلار آمریکا می‌دهد که به صورت اقساط ماهانه طی ۵ سال پرداخت می‌شود. تا به حال این دانشگاه از طریق این برنامه حدود ۱۰۰۰ دانشجو را آموزش داده که تعداد زیادی از آنها پس از فارغ التحصیلی مشغول به کسب و کارهای خودشان می‌باشند.

۵-۳ آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های سوئد

فعالیت‌های دولتی سوئد در ۷ دانشگاه و ۲۸ پارک صنعتی انجام می‌گیرد. اولین پارک تحقیقاتی در سال ۱۹۸۳ در اسکاندیناوری (skandinavien) تأسیس شد و در بزرگترین پارک اطلاعاتی صنعتی در استکهلم^۲ بحث کارآفرینی به طور ویژه در نظر گرفته شده است. در دانشگاه Vaxjo در بحث برنامه‌ریزی کارآفرینی و مدیریت شرکت‌های کوچک در مقطع دکترا دانشجو پذیرفته می‌شود.

الف) مدرسه اقتصادی استکهلم^۳

مدرسه کارآفرینی استکهلم (SSES) در زمینه‌های آموزشی، تحقیقات، مشاوره و ... فعالیت دارد.

کلاس‌های ویژه کارآفرینی در این مدرسه برقرار است، هدف آن طرح ایده‌های نو برای دانشجویان و شرکت‌های نوپا می‌باشد. این مدرسه کارآفرینی در منطقه به عنوان هدایتگر کارآفرینی فعالیت می‌کند. از ابتکارات عملی این مدرسه می‌توان از دو مورد زیر نام برد:

۱) آزمایشگاه کسب و کار^۴

۲) کارخانه شرکت^۵

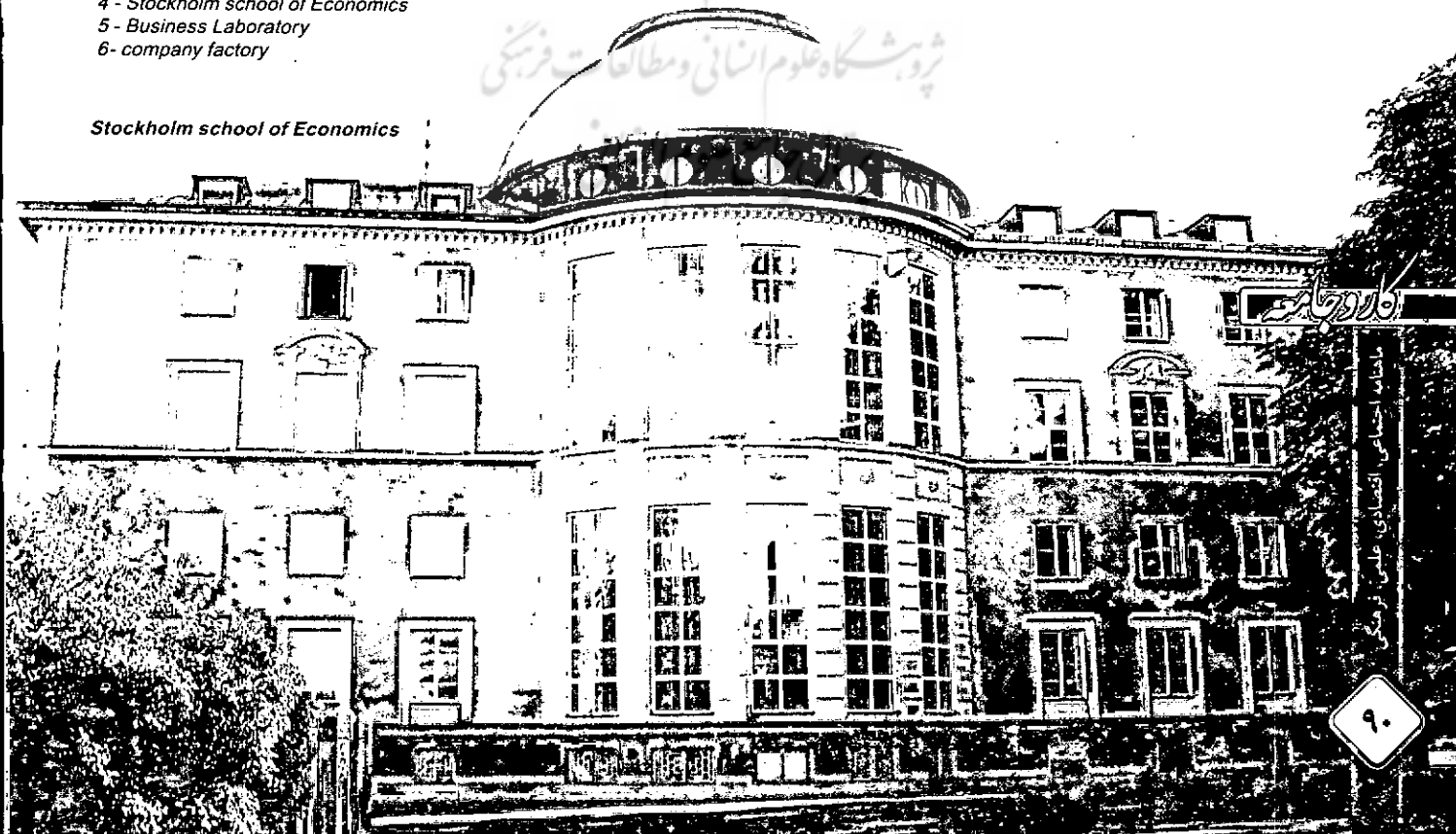
ب) دانشگاه Vaxjo

این دانشگاه برنامه‌های کسب و کار دانشجویان را با چهار مدل ارائه می‌دهد که یکی از آنها کارآفرینی می‌باشد. به طور کلی این دانشگاه در زمینه‌های آموزش، تحقیقات، مشاوره و ... فعالیت دارد.

ارائه مدرک دکترای کارآفرینی در برنامه‌ریزی و مدیریت شرکت‌های کوچک که با همکاری دانشگاه بارسلونا می‌باشد از جمله کارهای جدید این دانشگاه است. کل دوره ۵ مرحله دارد که سه مرحله آن در رابطه با کارآفرینی و دو مرحله دیگر با بحث مدیریت شرکت‌های کوچک و توسعه آنها در منطقه است، سه ماه از برنامه در دانشگاه بارسلونا و بقیه در این دانشگاه انجام می‌پذیرد. □

- 1- University utara Malaysia
- 2- KISTA Sciences park
- 3- Stockholm school of Entrepreneurship
- 4- Stockholm school of Economics
- 5- Business Laboratory
- 6- company factory

Stockholm school of Economics



منابع

- ❖ ۱- لامعی، بهزاد، آموزش کارآفرینی در ایران، (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات همایش کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته، انتشارات دانشگاه هراز.
- ❖ ۲- اکبری، کرامت... نقش آموزش در توسعه کارآفرینی (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات همایش کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته انتشارات دانشگاه تهران.
- ❖ ۳- فیض بخش، علیرضا (۱۳۸۲) کارآفرینی جداول اول، تهران، انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ ۴- احمد پوردریانی، محمود و همکاران (۱۳۸۲)، تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- ❖ ۵- حسینی، سید محمود (۱۳۷۸) جزء درس آموزش کشاورزی کارشناسی ارشد، کرج، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران.
- ❖ ۶- احمد پوردریانی، محمود (۱۳۸۲) آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه‌ها را تغییر می‌دهد؟ رهیافت. شماره ۲۹، بهار ۸۲
- ❖ ۷- اسکندری، فرزاد (۱۳۸۵) بررسی و تبیین راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران، رساله دکتری رشته آموزش کشاورزی دانشگاه تهران.
- ❖ 8 - Audretosh, David , (2002) . *Entrepreneurship . A Survey of the Literature*. Barley , s . (1985) . *Technology as an occasion for structuring*. *Administrative science: Quarterly* 1220 - 247
- ❖ 9 - Be chard , J (1994) . *Entrepemeurship training. A look from the educational science - In T. Monoroy Reichert . & f. Hoy (Ends) . The art and science of entrepreneurship education (PP.45 - 64) , Madison , WI Omni press.*
- ❖ 10 - Young , D.T .(1997) . *Education and off- farm work. Economic Development Cultural Change* 45,513-632.
- ❖ 11 - Block . Z. and stump , S.A (1992) *Entrepreneurship education research : Experience and challenge. In D.L . extion and J.D . kasarda , (Eds). The state of the art of entreprencurship, pp . 17-45 . Boston, MA PWS - Kent publishing.*
- ❖ 12 - Gibb,A (2002) . *In persuit of new centerprise and entrepreneurship paradig for learning. Creative distraction , new values , new ways of doing things are new combinations O Knowledge . International journal of Management review. Vol . 4 , Issue 3, pp. 233- 269*
- ❖ 13 - Henry Y,C ,(2003) . *Entrepreneurship Education and Training London, Ashga Publishing Lintied.*